

حقوق غیرمالی و مالی دارندگان سهام عدالت و راهکارهای تضمین آن در بازار سرمایه

زینب فلاح تفتی¹

چکیده

خصوصی سازی بنگاه‌ها و شرکت‌های دولتی در دو اسلوب کلی، خصوصی سازی همراه با واگذاری مالکیت شرکت‌ها و خصوصی سازی بدون واگذاری مالکیت در کشورهای مختلف جهان اجرایی گردیده است. طرح توزیع سهام عدالت به عنوان طریقه‌ای از خصوصی سازی همراه با واگذاری مالکیت با هدف توانمندسازی مردم کم برخوردار و توزیع ثروت در جامعه، خیل عظیمی از جمعیت کشور را تحت پوشش خود قرار داده است. سیاست خصوصی سازی بنگاه‌ها و شرکت‌های دولتی در قالب طرح توزیع سهام عدالت زمانی می‌تواند به اهداف مقرر قانونی خود چون تأمین عدالت اجتماعی بینجامد که دارندگان سهام عدالت بتوانند حقوق خویش را به صورت کامل استیفا نمایند؛ امری که جز در سایه آشنایی دارندگان سهام با حقوق مالی و همچنین حقوق غیرمالی ایشان محقق نمی‌گردد. از طرف دیگر، ورود برخی شرکت‌های سرمایه گذاری استانی در بورس اوراق بهادار و پذیرش تعدادی در فرابورس دغدغه متولیان بازار سرمایه را برای بسط فرهنگ سهامداری میان این قشر از سهامداران را دو چندان نموده است. بنابراین ضمن بررسی مقررات حاکم بر بازار سرمایه در خصوص شرکت‌های سرمایه گذاری استانی به بررسی ضوابط حاکم بر شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی می‌پردازیم. در این مقاله علاوه بر تبیین حقوق مالی دارنده سهام عدالت چون حق انتقال سهام، حق دریافت سود، حق دریافت حقوق و مطالبات با لغو عضویت و ... همچنین حقوق غیر مالی چون حق عضویت، حق اخذ تصمیمات برای اداره شرکت و حق نظارت به ارائه راهکاری متقن جهت حل مسائل و مشکلات دارندگان سهام عدالت می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: سهام عدالت، شرکت سرمایه گذاری استانی، شرکت تعاونی عدالت شهرستانی، بازار سرمایه، حقوق مالی و غیرمالی.

طبقه‌بندی موضوعی: G12, G18, C32.

1. دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران، مدرس دانشگاه و وکیل پایه یک دادگستری Zeinab.falah@yahoo.com

مقدمه

با تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی در مجلس شورای اسلامی، طرح توزیع سهام عدالت که تا پیش از آن بر مبنای مصوبات و آئین‌نامه‌های هیأت دولت اجرا می‌گشت، مبنای قانونی یافت. فقدان مبنای قانونی در اجرای طرح توزیع سهام عدالت همواره مورد خدشه بود.

پیش از تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی، ارکان اجرایی طرح توزیع سهام عدالت از سه لایه شرکت کارگزاری سهام عدالت، شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی (سهامی خاص) و شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی تشکیل شده بود.

شرکت کارگزاری سهام عدالت که نقش آن تبدیل انواع سهام واگذار شده به یک سهم واحد و سپس واگذاری سهام شرکت واسط به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی بود¹، دارای دو نوع سهام بود: 1- سهام در اختیار وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان خصوصی‌سازی و سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران که به عنوان سهام ممتاز (طبقه الف) محسوب می‌شد. 2- سهام عادی (طبقه ب). ترتیبی در اساسنامه شرکت کارگزاری سهام عدالت پیرامون افزایش سرمایه پیش‌بینی شده بود که حق تقدم و کلیه حقوق و منافع ناشی از افزایش سرمایه را از سهامداران طبقه ب سلب کرده و به سازمان خصوصی‌سازی به عنوان نماینده طبقه الف اختصاص می‌داد، امری که نشان از جایگاه ویژه دولت در اداره شرکت کارگزاری سهام عدالت داشت، شرکتی با اختیارات وسیع در اداره سهام مورد واگذاری که واگذاری به معنای حقیقی را با تردید جدی مواجه می‌نمود.

با تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی که ترتیب انحلال شرکت کارگزاری سهام عدالت در آن پیش‌بینی شد، تا حدودی این ایراد مرتفع گردید و بدنه اجرایی طرح توزیع سهام عدالت در دو لایه منظور شد: شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی و شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی.

هرچند پیش‌بینی انتقال سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی در بورس اوراق بهادار یا فرابورس توسط مقنن در ماده 35 قانون مزبور و همچنین ماده 7 آئین‌نامه اجرایی توزیع سهام عدالت موجب گردیده که سیاست توسعه بازار سرمایه همگام با سیاست خصوصی‌سازی بنگاه‌ها و شرکت‌های دولتی بستر اجرایی یابد لیکن مواردی در ساختار شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی چون فقدان مدیریت

1. بند 8 ماده 1 آئین‌نامه اجرایی افزایش ثروت خانوارهای ایرانی از طریق گسترش سهم بخش تعاون بر اساس توزیع سهام عدالت.

تخصصی و ترکیب سهامداری آن ممکن است بازار سرمایه را با چالش مواجه نماید لذا ضمن تبیین حقوق دارندگان سهام عدالت به حل مسائل مزبور نیز نظر خواهیم داشت.

کشورهای مختلف برای خصوصی سازی بنگاه‌ها و شرکت‌های دولتی روش‌های مختلفی را به کار می‌برند، لیکن از میان تمام روش‌های خصوصی سازی تجربه شده در جهان، خصوصی سازی کوپنی¹ به لحاظ ساختاری به طرح توزیع سهام عدالت شبیه تر می‌باشد.

به منظور تضمین حقوق دارندگان سهام عدالت توجه به دو مولفه اساسی ضروری به نظر می‌رسد: اول، بررسی علل شکست و موفقیت اجرای برنامه خصوصی سازی کوپنی در کشورهای مختلف و پیش‌بینی راهکارهایی متناسب با طرح توزیع سهام عدالت. دوم، آشنا نمودن دارندگان سهام عدالت با حقوق ایشان. بدین سبب که اکثر دارندگان سهام عدالت فاقد فرهنگ سهامداری بوده و چنانچه با حقوق خویش آشنا گردند، امکان استیفای آن و همچنین تضمین قانونمند بودن مجریان طرح فراهم می‌گردد و دارندگان سهام عدالت با مشاهده کوچکترین تخلف مجریان از ابزار نظارتی خود برای احقاق حقوق خویش استفاده می‌نمایند.

در توضیح مؤلفه اول به صورت مختصر باید گفت که خصوصی سازی کوپنی با توزیع کوپن سهام² میان عامه مردم در کشورهای مختلف اجرا گردید بدین صورت که برای تبدیل کوپن‌ها به سهام شرکت‌های دولتی از دو روش مستقیم و غیرمستقیم استفاده می‌شد. در برخی کشورها چون گرجستان، کوپن سهام مستقیماً قابل تبدیل به سهام بنگاه‌های دولتی بودند (کابلی زاده، 1384). در کشورهای چون لهستان نیز افراد مجاز به خرید مستقیم سهام بنگاه‌ها نبودند و می‌بایست با کوپن‌های سهام، واحدهای سرمایه‌گذاری نهادهای مالی را می‌خریدند.³ دسته سوم، کشورهایی بودند که افراد می‌توانستند مستقیماً با کوپن سهام خود، سهام بنگاه‌های دولتی را خریداری کنند و یا اینکه با آن واحد سرمایه‌گذاری در نهادهای مالی را دریافت نمایند.⁴

1. Vouchers Privatization

2. اوراقی که قابل مبادله با سهام بنگاه‌های دولتی یا واسطه‌های مالی می‌باشند.

3. برای مطالعه بیشتر رجع کنید به:

Aussenegg, Wolfgang, " Going Public in Poland: Case- by -Case Privatizations, Mass nce, Privatization and Private Sector Initial Public Offerings", Vienna University of Technology, Department of FinaFirst Draft: July 1999

4. برای مطالعه بیشتر رجع کنید به:

Ellerman, David, " Voucher Privatization with Investment Funds: An Institutional Analysis", World Bank

یکی از مهمترین دغدغه‌ها پیرامون خصوصی‌سازی کوپنی، توزیع سهام شرکت‌ها بین عامه مردم بود. این موضوع باعث ایجاد نوعی نارسایی در کنترل و اداره شرکت‌ها می‌شد و موجب جلوگیری از اعمال تغییرات مقتضی در مدیریت شرکت‌ها و بهبود فرآیند و چرخه تولید می‌گشت و بروز آن در طرح توزیع سهام عدالت نیز بعید به نظر نمی‌رسد.

در کشورهایی که خصوصی‌سازی کوپنی را از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری اجرا کردند وجود نظام نظارتی مناسب از عوامل اساسی موفقیت برنامه محسوب می‌شود به گونه‌ای که در برخی موارد فقدان چارچوب نظارتی سبب سوء استفاده مدیران و اتلاف اموال مردم شده است.

خصوصی‌سازی کوپنی با همه شباهت‌هایی که با طرح توزیع سهام عدالت دارد، تفاوت‌های بارزی نیز با آن دارد (فلاح تفتی، 1389) به صورتی که هدف اصلی از خصوصی‌سازی کوپنی در کشورهای مختلف، افزایش کارایی شرکت‌ها مانند دیگر روش‌های خصوصی‌سازی¹ بیان می‌شود اما هدف اساسی از طرح توزیع سهام عدالت گسترش مالکیت عمومی به منظور تأمین عدالت اجتماعی عنوان گردیده است² و شاکله طرح به گونه‌ای پیش‌بینی شده است که تحقق اهداف آن جز در چارچوب بازار سرمایه و توسعه فرهنگ سهامداری ممکن نمی‌گردد.

اما پیرامون مولفه دوم یعنی آشنا نمودن دارندگان سهام عدالت با حقوق خویش و ایجاد فرهنگ سهامداری، می‌بایست به بررسی حقوق مالی و غیرمالی دارندگان سهام عدالت که از دهک‌های پایین درآمدی و اقشار آسیب‌پذیر کشور به شمار می‌آیند، پرداخت. موضوعی که به صورت مبسوط در این مقاله در سه گفتار؛ تبیین و تشریح فرآیند اجرایی طرح توزیع سهام عدالت (گفتار اول)، بررسی حقوق غیرمالی دارندگان سهام عدالت (گفتار دوم) و بررسی حقوق مالی دارندگان سهام عدالت (گفتار سوم) بدان خواهیم پرداخت.

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1. روش‌های خصوصی‌سازی به دو دسته کلی، خصوصی‌سازی همراه با واگذاری مالکیت و خصوصی‌سازی بدون واگذاری مالکیت تقسیم می‌شود که هر کدام نیز به روش‌های مختلفی صورت می‌پذیرد. خصوصی‌سازی همراه با واگذاری مالکیت به صورت: عرضه عمومی تمام یا قسمتی از سهام شرکت دولتی، عرضه محدود سهام شرکت دولتی (فروش خصوصی سهام)، مشارکت بخش خصوصی در شرکت دولتی، فروش دارایی‌های شرکت دولتی، تجزیه شرکت دولتی، فروش شرکت به کارکنان و مدیران، خصوصی‌سازی کوپنی. خصوصی‌سازی بدون واگذاری مالکیت نیز به صورت: روش پیمان مدیریت، روش اجاره و قرارداد پیمانکاری.

2. ماده 34 قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی.

گفتار اول: تبیین و تشریح فرآیند اجرایی طرح توزیع سهام عدالت

پس از شناسایی مضمولان مرحله اول طرح توزیع سهام عدالت، 337 شرکت تعاونی عدالت شهرستانی با حداقل سرمایه اسمی لازم توسط چند نفر از مضمولان به عنوان هیأت مؤسس تأسیس گردید. شرکت تعاونی عدالت شهرستانی در چارچوب نمونه اساسنامه‌ای که توسط وزارت تعاون پیش‌بینی شده بود، ایجاد شد. مضمولان هر مرحله نیز به تدریج و پس از تعیین و احصاء کامل اسمی کلیه مضمولان هر مرحله به تفکیک تعاونی‌های هر شهرستان، برای عضویت در شرکت تعاونی عدالت شهرستانی دعوت شدند. از طرف دیگر هیأت مؤسس شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی نیز مرکب از شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی هر استان تعیین و شرکت سرمایه‌گذاری استانی را با حداقل سرمایه اسمی تأسیس نمودند و نمونه اساسنامه شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی توسط ستاد مرکزی توزیع سهام عدالت¹ تصویب گردید.

شرکت تعاونی عدالت شهرستانی مطابق بند 10 ماده 1 قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی، شرکت تعاونی فراگیر ملی است که در قالب شرکت تعاونی و یا شرکت تعاونی سهامی عام² می‌تواند فعالیت نماید. شرکت سرمایه‌گذاری استانی نیز به صورت شرکت سهامی خاص تأسیس شد لیکن برای ورود شرکت‌های مزبور به بورس باید به شرکت‌های سهامی عام تبدیل شوند. از طرف دیگر سهام بنگاه‌های مشمول واگذاری که مصوبه هیأت واگذاری را مطابق بند 2 قسمت (ب) ماده 40 قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی را دریافت نموده‌اند، ارزیابی و قیمت‌گذاری می‌شوند.

بر اساس ماده 5 آیین‌نامه اجرایی توزیع سهام عدالت، شرکت‌های مورد واگذاری فقط از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تعیین می‌گردد لیکن 27 شرکت از شرکت‌های واگذار شده، غیر بورسی هستند چراکه این شرکت‌ها قبل از تصویب آیین‌نامه اجرایی توزیع سهام عدالت مصوب 1387/11/27، واگذار شده‌اند (عطایی، 1388). قیمت سهام شرکت‌های غیر بورسی مثل پالایشگاه تهران، بندرعباس، لاوان و... قابل محاسبه دقیق نبوده و قیمت آن‌ها به صورت علی‌الحساب تعیین می‌گشت و پس از ورود این شرکت‌ها در بورس قیمت علی‌الحساب به قیمت سهام مزبور در تابلو، برای

1. بنابر اعلام دبیرخانه شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی با تصویب آیین‌نامه اجرایی توزیع سهام عدالت، اختیارات ستاد مرکزی توزیع سهام عدالت به هیأت واگذاری و وزارت امور اقتصادی و دارایی انتقال یافت (www.vase.ir).
2. شرکت تعاونی سهامی عام: نوعی شرکت سهامی عام است که با رعایت قانون تجارت و محدودیت‌های مذکور در این قانون تشکیل شده باشد. (بند 9 ماده 1 قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی).

سهام عدالت منظور می‌شود. تمام شرکت‌هایی که در فهرست واگذاری قرار دارند، در حال طی مراحل ورود به بورس می‌باشند. بنابراین نگرانی از کشف قیمت واقعی آن‌ها نخواهد بود.¹

سهام شرکت‌های مزبور به عنوان موضوع قرارداد فی مابین سازمان خصوصی‌سازی - به عنوان نماینده دولت - از یک طرف و شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی قرار می‌گیرد.

مطابق ماده 36 قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی، سهم هر یک از شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی متناسب با تعداد اعضاء تعاونی‌های عدالت شهرستانی هر استان تعیین می‌گردد. به عنوان مثال اگر استانی مثل اصفهان یک میلیون مشمول سهام عدالت داشته باشد - با توجه به تعداد تقریبی چهل و دو میلیون نفری مشمولین در سراسر کشور - یک چهل و دوم سهام هر یک از شرکت‌های مشمول واگذاری در طرح توزیع سهام عدالت به شرکت سرمایه‌گذاری استان اصفهان منتقل می‌شود.

پس از چنین فرآیندی مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت سرمایه‌گذاری استانی، میزان سهام خریداری شده را به صورت افزایش سرمایه ثبت می‌کند.

شرکت‌های سرمایه‌گذاری هر استان نیز سهام انتقال یافته به خود را در سبد سهام² یا اصطلاحاً پرتفوی سهام خود جای می‌دهند. مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت تعاونی عدالت شهرستانی، میزان سهام خود در شرکت سرمایه‌گذاری استانی را به صورت افزایش سرمایه ثبت می‌کند، مردم نیز سهامدار شرکت تعاونی عدالت شهرستان می‌باشند.

سهام مورد واگذاری بابت مشمولان دو دهک پایین درآمدی با احتساب 50 درصد تخفیف در بهای واگذاری و به صورت اقساط واگذار می‌شود لیکن مشمولین دهک‌های سوم تا ششم صرفاً از مزایای تقسیط حداکثر ده ساله واگذاری سهام، برخوردار می‌شوند و طول دوره تقسیط آنان در هیأت واگذاری تعیین می‌گردد.

سازمان خصوصی‌سازی موظف است در قراردادهای منعقد شده تصریح نماید که ثمن معامله از محل سود سالانه شرکت‌های واگذار شده تسویه می‌گردد و متناسب با سود دریافتی یا تخفیفات اعطایی و بلافاصله پس از آن نسبت به تسویه و آزادسازی آن بخش از سهام که بهای آن توسط سازمان خصوصی‌سازی وصول یا مشمول تخفیف می‌شود، اقدام می‌نماید.

1. www.mefa.ir

2. سبد: مجموعه دارایی‌های مالی است که از محل وجوه سرمایه‌گذاران خریداری می‌شود (بند 33 ماده 1 قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب 1384/4/1).

سازمان خصوصی سازی مسئولیت وصول اقساط سهام واگذار شده و واریز آن به حساب خزانه را بر عهده دارد. مطابق تبصره 1 ماده 100 قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه، پرداخت هرگونه سود سهام شرکت های مورد واگذاری به سهامداران آنان (یعنی شرکت های سرمایه گذاری استانی) تا زمانی که اقساط سررسید شده هر یک از شرکت های سرمایه گذاری استانی به دولت پرداخت نشود، ممنوع می باشد.

در هیچ یک از مقررات و مصوبات موجود ذکری از میزان سهام قابل واگذاری به هر شخص مشمول نیامده است که این موضوع ابهام ایجاد نموده و ممکن است در قراردادهای واگذاری به مشمولین اعلام شده در مراحل مختلف اجرای طرح توزیع سهام عدالت، سهام مورد واگذاری به میزان متفاوت اختصاص یابد هرچند در قراردادهای واگذاری میزان سهام به ازای هر نفر مشمول تعیین شده است لیکن ضروری است که میزان بهره مندی هر نفر مشمول در قالب مقررات از سوی مراجع ذیصلاح تصویب و اعلام گردد.

گفتار دوم: بررسی حقوق غیر مالی دارندگان سهام عدالت

در این گفتار حقوق غیرمالی دارندگان سهام عدالت از جمله حق عضویت، حق اخذ تصمیمات و حق نظارت را در سه قسمت تبیین می نمایم.

1- حق عضویت

عضو شرکت تعاونی عدالت شهرستانی، شخص حقیقی یا حقوقی غیر دولتی است که دارای سه مؤلفه ذیل باشد:

- واجد شرایط مندرج در قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب 70/6/13 باشد. شرایط عضویت در تعاونی ها در ماده 9 قانون مذکور عبارتند از: تابعیت جمهوری اسلامی ایران، عدم ممنوعیت قانونی و حجر، خرید حداقل سهام مقرر در اساسنامه، درخواست کتبی عضویت و تعهد به رعایت مقررات اساسنامه تعاونی، عدم عضویت در تعاونی مشابه

- ملتزم به اهداف بخش تعاونی باشد.

- عضو باید ملتزم به اساسنامه تعاونی باشد.

علاوه بر شرایط عمومی مذکور، عضو باید از مشمولین سهام عدالت بر اساس مصوبه 42389

مورخ 84/8/23 هیأت وزیران و اصلاحات بعدی آن، باشد.

حق عضویت در شرکت تعاونی عدالت شهرستانی از حقوق مسلم دارنده سهام محسوب می‌گردد. همچنانکه در ماده 12 قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به صراحت مقرر شده است: "خروج عضو از تعاونی اختیاری است و نمی‌توان آن را منع کرد." بدون رضایت عضو نمی‌توان وی را از شرکت اخراج نمود مگر در موارد معینی که خود مقنن استمرار این حق را غیرممکن دانسته و اخراج عضو را پیش‌بینی نموده است.

ماده 13 قانون مذکور و ماده 16 نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی صرفاً اخراج عضو را در موارد ذیل ممکن می‌داند:

- از دست دادن هر یک از شرایط عضویت مقرر در قانون
- عدم رعایت مقررات اساسنامه و سایر تعهدات قانونی پس از دو اخطار کتبی توسط هیأت مدیره به فاصله 15 روز و گذشتن 15 روز از تاریخ اخطار دوم
- ارتکاب اعمالی که موجب زیان مادی تعاونی شود و عضو نتواند ظرف مدت یک سال آن را جبران نماید یا اعمالی که به حیثیت و اعتبار تعاونی لطمه وارد کند یا با تعاونی رقابتی ناسالم بنماید.

موارد فوق بنا به پیشنهاد هیأت مدیره یا بازرسان و تصویب مجمع عمومی عادی موجب اخراج عضو می‌گردد که هیأت مدیره مکلف به اجرای آن می‌باشد (حسنی، 1381). بدین نحو که هیأت مدیره، سهم و کلیه حقوق و مطالبات عضو اخراج شده را برابر مقررات اساسنامه محاسبه نموده و پس از کسر بدهی وی به شرکت، ظرف مدت سه ماه پرداخت می‌نماید.

2- حق اخذ تصمیمات

از دیگر حقوق غیر مالی دارنده سهام عدالت، حق اخذ تصمیمات می‌باشد زیرا سیاست‌گذاری و اجرای صحیح آن در شرکت همواره منبعث از تصمیمات صحیح و مناسب است که این تصمیمات را اعضای شرکت از طریق مجامع عمومی، هیأت مدیره و مدیرعامل اتخاذ می‌نمایند.

2-1- حق اخذ تصمیمات در قالب مجامع

در این قسمت به بررسی حق حضور اعضاء در جلسات مجامع و حق توکیل، حق اطلاع اعضاء شرکت و حق رای همچنین حق دعوت از اعضاء جهت تشکیل مجامع می‌پردازیم.

الف) حق حضور اعضای در جلسات مجامع و حق توکیل

حضور در مجامع عمومی حق هر عضو شرکت تعاونی عدالت شهرستانی قلمداد می‌گردد. هیچ رکنی از ارکان شرکت نمی‌تواند مانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات مجامع عمومی صاحبان سهام گردد (ستوده تهرانی، 1378).

هر یک از اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی می‌تواند استفاده از حق خود برای حضور در مجمع عمومی و دادن رای را به یک نماینده تام الاختیار از میان اعضاء واگذار نمایند و عضو می‌تواند علاوه بر رای خود، دو رای با وکالت داشته باشد.¹ بدین ترتیب اعطای نمایندگی صرفاً به اعضای شرکت تعاونی پیش‌بینی گردیده و سقف آن نیز داشتن وکالت از دو عضو می‌باشد. خود نماینده بر اساس ماده 5 آیین‌نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی مصوب 1377 از توکیل به غیر منع شده و حضور نمایندگان در مجمع عمومی اصالتی است. با لحاظ تعداد اعضای شرکت، می‌توان تصور نمود که یافتن مکان مناسب جهت تشکیل مجمع عمومی مشکل خواهد بود.

ب) حق اطلاع اعضاء شرکت و حق رای

حق حضور در مجامع عمومی مستلزم داشتن اطلاع درست از وضعیت شرکت، مکان و زمان دقیق برگزاری مجمع عمومی است. چراکه هدف از تشکیل و حضور در مجمع عمومی، بحث، انتقاد و تبادل افکار برای اداره مناسب شرکت می‌باشد (خزاعی، 1385).

مجمع عمومی که بالاترین مرجع اخذ تصمیم در امور شرکت‌های تعاونی می‌باشد از اجتماع اعضای تعاونی یا نمایندگان تام الاختیار آنها تشکیل می‌شود و ایشان می‌بایست جهت اخذ تصمیم صحیح برای اداره شرکت به اطلاعات راجع به ترازنامه، حساب سود و زیان، گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان قبل از تشکیل مجمع دسترسی داشته باشند تا بتوانند در جلسه مجمع به درستی تصمیم بگیرند و نقدهای خود را مطرح نمایند. لذا حق اطلاع عضو وقتی اعمال شده، تلقی می‌شود که بتواند با وسایل مقتضی حق خود را اعمال کند.

هرگاه شرکت از تسلیم تمام یا قسمتی از اطلاعاتی که از نظر قانون باید در اختیار دارنده سهام قرار گیرد، خودداری کند به لحاظ تخلف در اداره امور شرکت، هر یک از اعضاء می‌توانند شکایت خود را به بازرسان شرکت اعلام نمایند.

1. ماده 26 نمونه اساسنامه شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی.

مبحث افشاء اطلاعات از جمله مباحث بسیار مهمی است که به منظور تضمین حقوق دارندگان سهام مناسب به نظر می‌رسد در چارچوب دستورالعمل، ضوابط آن از سوی وزارت تعاون تدوین گشته و شرکت‌های تعاونی ملزم به رعایت آن شوند. همچنانکه این موضوع برای ناشران در بورس اوراق بهادار و همچنین در بازارهای خارج از بورس به صورت تکلیف قانونی و در قالب دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان مصوب 86/5/3 هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار تعیین گردیده است.

تصمیم‌گیری در قالب مجامع از طریق دادن رای توسط اعضاء شرکت ممکن می‌شود. حق رأی را باید مهم‌ترین حق دارنده سهام در اداره شرکت تلقی نمود. این حق تنها از طریق حضور در مجامع عمومی و مشارکت در تصمیمات شرکت قابل اعمال است (کاویانی، 1386) اما عدول از حق رأی؛ به صورتی که صاحب سهم حق رای خود را به سهامدار دیگری منتقل کند بدون آن که از مالکیت سهم چشم‌پوشی نماید یا انتقال‌گیرنده سهم به طور غیرقابل برگشت در مقابل انتقال دهنده از حق رأی خود صرف نظر کند تا انتقال دهنده به جای او از این حق رأی استفاده کند، برخلاف حقوق اساسی صاحب سهم بوده و باطل می‌باشد به عکس نمایندگی که منع قانونی ندارد و صاحب سهم همواره می‌تواند وکیل را عزل کند (اسکینی، 1385).

مسأله‌ای که مطرح می‌شود این که آیا میزان سهم اعضا در شرکت تعاونی عدالت شهرستانی در تعداد آراء هر عضو دخیل است یا خیر؟

مقنن پاسخ را در ماده 30 قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به صراحت بیان نموده است. بدین شرح که هر عضو بدون در نظر گرفتن میزان سهم فقط دارای یک رأی است.

ج) حق دعوت از اعضاء شرکت برای تشکیل مجامع

اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی با رعایت حد نصاب‌های مقرر قانونی¹ می‌توانند تشکیل هر یک از مجامع را از هیأت مدیره درخواست نمایند. چنانچه هیأت مدیره به تکلیف قانونی خود پیرامون برگزاری مجامع مبادرت نکند، وزارت تعاون نسبت به تشکیل مجمع اقدام می‌نماید.²

شایان ذکر است که عدم رعایت قوانین و مقررات از سوی شرکت تعاونی عدالت شهرستانی پس از سه بار اخطار کتبی وزارت تعاون در یک سال از موارد انحلال شرکت تعاونی محسوب می‌شود.¹

1. تبصره 1 ماده 35 قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران.

2. تبصره 2 ماده 35 قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران.

بدین ترتیب عدم تشکیل مجامع از سوی هیأت‌مدیره نیز از مواردی است که با اخطار کتبی وزارت تعاون مواجه می‌گردد.

2-2- حق اخذ تصمیمات در قالب هیأت مدیره و مدیرعامل

از آنجا که اداره امور شرکت بر عهده هیأت مدیره آن می‌باشد بنابراین انتخاب مناسب و بالتبع ترکیب مناسب از اعضای هیأت مدیره در پیشبرد اهداف شرکت بسیار مؤثر است.

با توجه به پراکندگی و کثرت افراد عضو شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی و همچنین فقدان تجربه و دانش کافی جهت مشارکت در انتخاب مدیران شایسته و متخصص برای شرکت نمی‌توان چندان انتظاری برای انتخاب مدیران متخصص داشت.

برگزاری مجامع عمومی شرکت‌هایی با تعداد بسیار زیاد عضو، امری بسیار دشوار است. برگزاری مجامع دو مرحله‌ای در شرکت‌های مزبور تا حدودی این مشکل را برطرف نموده، لیکن انجام چنین انتخاباتی نیز دشواری‌های خاص خود را دارد.

در کشورهایی چون روسیه و چک یکی از اهداف کلان اجرای برنامه خصوصی‌سازی کوپنی انتقال قدرت و مدیریت بنگاه‌ها به گروهی خاص بود که مورد تأیید دولت بودند. این امر سبب ایجاد فساد و اشاعه رانت گردید و زیان‌هایی را برای مردم که دریافت کنندگان سهام بودند به دنبال داشت بنابراین در اجرای طرح توزیع سهام عدالت باید از این قبیل مسائل اجتناب شود (حقیقی، 1381).

همچنان که علی‌رغم تأکید ماده 38 قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی و ماده 9 آیین‌نامه اجرایی توزیع سهام عدالت مبنی بر عدم اتخاذ تدابیری از سوی دولت که موجب تداوم مدیریت دولتی در شرکت‌های مشمول واگذاری گردد، هیأت دولت مصوبه‌ای را در تاریخ 88/8/25 بدین مضمون داشت: "تا زمانی که تعاونی‌های سهام عدالت در استان‌ها فعال نشده‌اند، مسئول دستگاه اجرایی مربوطه به عنوان نماینده دولت در خصوص 40 درصد سهام عدالت تعیین شود." این احتمال وجود داشت مقصود دولت از مصوبه مذکور حل ایراد فقدان مدیریت تخصصی در شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی بوده باشد لیکن مخالف نص صریح قانون بود که کمیسیون نظارت بر اصل 44 مجلس نیز مصوبه هیأت وزیران را فاقد وجهت قانونی اعلام نمود که پس از آن ملغی اعلام گردید.

از دیگر چالش‌هایی که در مبحث مدیریت شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی وجود دارد؛ سهم اندک هر یک از شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی در

شرکت‌های واگذار شده می‌باشد. بدین صورت که اگر قرار باشد چهل درصد از سهام شرکتی از طریق طرح توزیع سهام عدالت به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی واگذار شود، این سهام بین 30 شرکت سرمایه‌گذاری استانی متناسب با تعداد اعضاء شرکت‌های تعاونی شهرستانی هر استان تقسیم می‌گردد لذا تنها درصد کمی از سهام هر شرکت به یک شرکت سرمایه‌گذاری استانی تعلق می‌گیرد (کوزه‌چی و همکاران، 1385).

به نظر می‌رسد یکی از راهکارها در خصوص مدیریت شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی در قالب کانون¹ باشد. بدین ترتیب با توجه به این که سهام شرکت‌های مشمول واگذاری بین شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی تقسیم می‌شود، کانون مزبور به نمایندگی از شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی به اخذ کرسی در هیأت مدیره شرکت‌های مورد واگذاری اقدام می‌نماید. راه حل مذکور مطابق با ساختار کنونی طرح توزیع سهام عدالت است که چه بسا با تغییر و اصلاح مقررات موجود، امکان پیشنهاد راهکارهای مناسبتری فراهم آید.

نکته‌ای که در انتخاب اعضاء هیأت مدیره شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی از سوی سهامداران آن- که همان شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی هستند- باید مورد عنایت قرار گیرد استفاده از یک ترکیب اعضا با تخصص‌های متفاوت است چراکه در اغلب موارد از افرادی با تخصص مدیریت مالی استفاده می‌شود که فاقد تجربه کافی در زمینه امور فنی و امور مرتبط با شرکت‌هایی می‌باشند که سهام آنها را در پرتفوی خود داشته و شرکت‌های مورد واگذاری که بررسی می‌باشند را با بحران مدیریت غیر متخصص مواجه می‌سازند.

3- حق نظارت

از دیگر حقوق غیر مالی دارنده سهام عدالت، حق نظارت بر اداره امور شرکت است که می‌تواند این حق خود را از طریق مجامع، بازرس و یا با اقامه دعوی اعمال نماید که هریک را به تفصیل شرح می‌دهیم.

1. کانون: کانون‌های کارگزاران، معامله‌گران، بازارگردانان، مشاوران، ناشران، سرمایه‌گذاران و سایر مجامع مشابه، تشکل‌های خود انتظامی است که به منظور تنظیم روابط بین اشخاصی که طبق این قانون به فعالیت در بازار اوراق بهادار اشتغال دارند، طبق دستورالعمل‌های مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار به صورت موسسه غیردولتی، غیرتجاری و غیرانتفاعی به ثبت می‌رسند. (بند 5 ماده 1 قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب 84/9/1)

3-1- حق نظارت از طریق مجامع

اعضای شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی مطابق ماده 10 قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در کلیه امور تعاونی طبق اساسنامه حق نظارت دارند.

از جمله مراجعی که دارندگان سهام عدالت از طریق آن می‌توانند این حق خود را اعمال نمایند، مجمع عمومی شرکت است. مجمع عمومی بالاترین مرجع نظارت در امور شرکت‌های تعاونی می‌باشد.¹

"رسیدگی و اتخاذ تصمیم درباره ترازنامه، حساب سود و زیان، گزارش‌های مالی هیأت مدیره پس از قرائت گزارش بازرسان" از جمله مواردی است که هرچند از مصادیق وظایف و اختیارات مجمع عمومی عادی شمرده می‌شود لیکن از ابزارهای نظارت مجمع عمومی عادی در امور شرکت می‌باشد. بدین ترتیب کلیه اعمال مدیران در خصوص وضعیت مالی شرکت در طی هر سال مالی باید به اطلاع تأیید مجمع عمومی عادی برسد و اعضای شرکت با اتخاذ تصمیم و اعمال حق رای خود، بر عملکرد مالی مدیران نظارت می‌کنند.

از دیگر مصادیق حق نظارت که در قالب مجمع عمومی فوق العاده استیفا می‌گردد، تصمیم‌گیری نسبت به گزارش هر یک از بازرسان در مورد تخلفات هیأت مدیره می‌باشد.²

از مصادیق تخلفات اعضای هیأت مدیره می‌توان به انجام معاملات نظیر معاملات تعاونی که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد و همچنین استفاده انفرادی مدیران از اختیارات هیأت مدیره نام برد.

با عنایت به این که مطابق ماده 39 نمونه اساسنامه شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی، مسئولیت هیأت مدیره در مقابل تعاونی مسئولیت وکیل در مقابل موکل است. هرچند تطبیق مناسبات مدیران با شرکت، به رابطه وکیل و موکل ایرادی است که از سوی برخی از حقوقدانان مطرح گردیده و عنوان نمودند که نمی‌توان آن را در قالب حقوق مدنی و عقود معین تحلیل نمود (یاسبان، 1386) اما به هر حال تمام مواردی که تجاوز عضو هیأت مدیره - وکیل - از حدود اختیارات وی تلقی شود، از مصادیق تخلف محسوب شده و مجمع عمومی می‌تواند در خصوص آن تصمیم‌گیری نماید.

تصویب مجمع عمومی عادی پیرامون اخراج عضو از شرکت تعاونی عدالت شهرستانی از دیگر موارد اعمال حق نظارت محسوب می‌گردد. همانطور که پیشتر توضیح داده شد، با عدم رعایت

1. ماده 30 قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران

2. بند 2 ماده 22 نمونه اساسنامه شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی.

مقررات اساسنامه و تعهدات قانونی، ارتکاب اعمال زیان آور و عدم جبران آن ظرف یک سال، ارتکاب اعمالی که به حیثیت و اعتبار شرکت لطمه وارد نماید و همچنین رقابت ناسالم با شرکت از سوی عضو، دیگر اعضا را محق می‌کند که در قالب مجمع عمومی عادی، تصمیم به اخراج عضو بگیرند و همواره مجموعه هماهنگ با اهداف و خط مشی تعاونی داشته باشند که این انسجام موجب توسعه و بهبود عملکرد شرکت می‌شود.

2-3- حق نظارت از طریق بازرس

اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی در قالب مجمع عمومی عادی باید بازرسان متخصص و دقیقی را انتخاب نمایند چراکه با وظایفی که مقنن برای بازرسان تعیین نموده، خواهند توانست حق نظارت خود بر عملکرد اداره کنندگان شرکت را به مناسب ترین وجه اعمال نمایند.

کلیه عملیات مالی شرکت و معاملات آن به موجب قانون، تحت نظارت بازرسان قرار دارد بنابراین باید اسباب و مقدمات اعمال نظارت بازرسان نیز پیش‌بینی شده باشد به گونه‌ای که بتوانند به کلیه سوابق و گزارشات مربوط به معاملات صورت گرفته یا سایر اسناد مالی دسترسی داشته باشند.

موضوع مذکور در ماده 53 نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی پیش‌بینی شده است و هیأت مدیره را موظف نموده که نسخه‌ای از گزارش‌ها، صورت‌های مالی تا پایان هر دوره مالی را چون ترازنامه، حساب‌های عملکرد و سود و زیان، پیشنهاد نحوه تقسیم سود خالص و بودجه پیشنهادی سال بعد را پس از آماده شدن حداکثر تا 30 روز قبل از تاریخ تشکیل جلسه مجمع عمومی عادی سالانه برای رسیدگی به بازرسان تسلیم نمایند. حال اگر هیأت مدیره در خصوص این تکلیف یا در سایر مواردی که به موجب قانون و یا اساسنامه مسئولیت آن بر عهده مدیران قرار دارد، کوتاهی نموده و تخلف نمایند، راهکاری در ماده 42 قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده که اعمال آن را بر عهده بازرسان قرار داده است. بدین نحو که چنانچه هر یک از بازرسان تشخیص دهد، هیأت مدیره و یا مدیرعامل در انجام وظایف محوله مرتکب تخلفی شده‌اند و به تذکرات آنان ترتیب اثر نمی‌دهد، مکلف است از هیأت مدیره تقاضای برگزاری مجمع عمومی فوق العاده جهت رسیدگی به گزارش خود را بنماید. اگر هیأت مدیره ظرف مدت یک ماه از تاریخ دریافت درخواست تشکیل مجمع عمومی فوق العاده توسط بازرس، اقدام به دعوت و برگزاری مجمع نکند، بازرس می‌تواند با اطلاع وزارت تعاون نسبت به انتشار آگهی و تشکیل مجمع عمومی فوق العاده اقدام نماید.

3-3- حق نظارت مستقیم عضو، شکایت و اقامه دعوی

هر یک از اعضای شرکت در صورت مشاهده نقص یا تخلف در اداره امور شرکت می‌تواند گزارش یا شکایت خود را به بازرسان اعلام نماید و صورت عدم اخذ نتیجه و باقی بودن بر شکایت با وزارت تعاون مکاتبه کند. هیأت مدیره نیز مکلف به اجرای نظر وزارت تعاون می‌باشد که به صورت کتبی و رسمی ابلاغ می‌شود.¹

بدین ترتیب رسیدگی به شکایت اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی به صورت بدوی بر عهده بازرسان شرکت می‌باشد.

وزارت تعاون به منظور ایجاد رویه واحد و تسهیل در رسیدگی به اختلافات و شکایات اعضاء شرکت‌های تعاونی دستورالعملی را با عنوان "دستورالعمل رسیدگی به شکایات" در تاریخ 1389/1/7 تصویب نموده است که رسیدگی به شکایات اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی نیز بر اساس آن صورت می‌پذیرد. مطابق ماده 4 دستورالعمل مزبور، موضوع اختلاف در صورت عدم تمکین هیأت مدیره نسبت به نظریه بازرس در تأمین خواسته شاکی و همچنین فقدان بازرس یا عدم دسترسی به آن و یا اعتراض عضو نسبت به نظریه بازرس جهت داوری به اتحادیه مربوطه ارائه می‌گردد که مرجع مزبور مکلف است به شکایت رسیدگی و رأی نهایی خود را حداکثر ظرف 3 ماه اعلام نماید. پس از ابلاغ رای داوری، عضو می‌تواند به اجرای احکام دادگستری مراجعه و تقاضای اجرا نماید.

چنانچه هر یک از اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی، اعمال هیأت مدیره یا مدیران یا بازرسان یا دیگر اعضای شرکت تعاونی یا حتی در برخی موارد کارکنان شرکت را منطبق با فصل بیست و یکم قانون شرکت‌های تعاونی مصوب 1350/3/16 تشخیص دهد، می‌تواند تعقیب وی را از مراجع صالح قضایی درخواست نماید. چراکه مقررات کیفری قانون شرکت‌های تعاونی به موجب نظریه شماره 7/3371 مورخ 1376/6/12 اداره حقوقی قوه قضائیه توسط قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران نسخ نگردیده است و ماده 71 قانون بخش تعاونی صرفاً قوانین و مقررات مغایر با خود را ملغی نموده است که فصل مذکور مغایرتی ندارد (شهری و همکاران، 1375).

مواردی که هر یک از اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی می‌تواند مطابق فصل بیست و یکم قانون از مراجع صالح قضایی درخواست تعقیب و محکومیت بنماید به قرار ذیل است:

- ارتکاب اعمال خلاف اصول مقرر در قانون و اساسنامه های مصوب با سوء نیت:

1. ماده 54 نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی.

بر اساس ماده 126 قانون شرکت های تعاونی مصوب 1350/3/16، چنانچه هر یک از اعضای هیأت مدیره و بازرسان و مدیرعامل با سوء نیت برخلاف اصول مقرر در قانون و اساسنامه های مصوب مرتکب عملی شود که موجب زیان شرکت گردد علاوه بر جبران زیان وارده به حبس جنحه ای¹ از سه ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد.

- ارائه گزارش خلاف واقع به مجمع عمومی:

چنانچه هر یک از اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل و بازرسان به مجمع عمومی گزارش خلاف واقع دهد به موجب ماده 127 قانون شرکت های تعاونی مصوب 1350/3/16، به حبس جنحه ای از سه تا شش ماه یا جزای نقدی از ده هزار ریال تا یک صد هزار ریال و یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

- ارتکاب خیانت در امانت در مورد وجوه و اموال شرکت یا اتحادیه:

با احراز ارتکاب خیانت در امانت در مورد وجوه و اموال شرکت یا اتحادیه توسط هر یک از مدیران هیأت مدیره یا مدیرعامل یا بازرسان یا کارکنان شرکت ها و اتحادیه های تعاونی بر اساس ماده 128 قانون شرکت های تعاونی مصوب 1350/3/16 به حداکثر مجازات مقرر در ماده 241 قانون مجازات عمومی² محکوم می شوند.

- ارائه گزارش خلاف واقع توسط حسابرسان:

در صورتی که حسابرسان درباره نتیجه حسابرسی شرکت یا اتحادیه تعاونی گزارش خلاف واقع بدهند، با اعلام مراتب به مراجع صالح قضایی به حبس جنحه ای از شش ماه تا یک سال محکوم می شوند.

در بازار سرمایه به منظور حفظ استقلال حسابرسان و اطمینان از کیفیت کار ایشان، لیستی از حسابرسان معتمد وجود دارد و ضوابطی را نیز جهت ارائه خدمات حرفه ای ایشان توسط شورای عالی بورس و اوراق بهادار تصویب نموده اند که گام بسیار مهمی در انتخاب حسابرس و تضمین حقوق

1. با تصویب قانون مجازات اسلامی دیگر حبسی با عنوان حبس جنحه ای نداریم.

2. با تصویب قانون مجازات اسلامی، هم اکنون ماده 674 قانون مجازات اسلامی در خصوص جرم خیانت در امانت بوده و مقرر می دارد: "هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته هایی از قبیل سفته، چک، قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شده و بنا بر این بوده است که اشیای مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیا نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد."

دارندگان سهام محسوب می‌شود. مناسب است که وزارت تعاون نیز با هدف استقلال حساب‌رسان، ضوابطی را جهت انتخاب و نظارت بر عملکرد آنان در شرکت‌های تعاونی تصویب نمایند.

- عدم انجام تعهد عضو در معامله با شرکت:

با عنایت به این که انجام معامله توسط اعضای تعاونی با شرکت از سوی مقنن نهی نگردیده است لذا صرف انجام معامله با شرکت، منع قانونی ندارد. هرچند شروط و محدودیت‌هایی برای برخی از اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی که سمت‌های مذکور در ماده 2 دستورالعمل "معاملات تعاونی" ها با هر یک از اعضاء هیأت مدیره، مدیرعامل و بازرسان مصوب 88/7/19 وزارت تعاون" را در شرکت دارند، پیش‌بینی شده است. بدین ترتیب که مدیران و بازرسان شرکت و همچنین موسسات و شرکت‌هایی که مدیران و بازرسان تعاونی در آنها شریک یا عضو هیأت مدیره یا مدیرعامل باشند، نمی‌توانند بدون اجازه هیأت مدیره در معاملاتی که با تعاونی یا به حساب تعاونی می‌شود بطور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهام شوند و در صورت اجازه نیز هیأت مدیره مکلف است بازرسان را بلافاصله از معامله‌ای که اجازه آن داده شده، مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی بدهد. بازرسان نیز مکلفند ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله، نظر خود را درباره چنین معامله‌ای به همان مجمع عمومی تقدیم کنند.

حال اگر هر یک از اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی با عدم انجام تعهد در معامله با شرکتی که عضو آن است، عامداً به شرکت خسارت وارد کند، مراجع صالح قضایی وی را به موجب ماده 130 قانون شرکت‌های تعاونی مصوب 1350/3/16 علاوه بر جبران خسارت به جزای نقدی از پنج هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم می‌نمایند.

شایان ذکر است که رسیدگی به دعاوی مذکور خارج از نوبت صورت می‌پذیرد.

در کلیه جرایم مذکور ضروری نیست که عضو با عنوان شاکی اعلام جرم نماید بلکه اعلام جرم به عنوان مطلع کفایت می‌کند. (آخوندی، 1388) پس از صدور کیفرخواست در این جرایم، مراتب از طرف مراجع قضایی به شرکت یا اتحادیه مربوط اعلام می‌شود و در این صورت متهم از سمت خود در شرکت یا اتحادیه برکنار می‌گردد.¹

پیشنهاد می‌گردد همچون بازار سرمایه که به جهت تخصصی بودن جرایم ارتكابی در آن و لزوم سرعت در کشف جرایم مزبور در تبصره 3 ماده 14 قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید مصوب

1. ماده 132 قانون شرکت‌های تعاونی.

88/9/25، گزارش سازمان بورس و اوراق بهادار را در حکم گزارش ضابطان دادگستری اعلام نموده است در متون پیش نویس قوانین آتی مصوب مجلس شورای اسلامی چنین تدبیری برای وزارت تعاون در خصوص جرایم مرتبط با شرکت‌های تعاونی صورت پذیرد.

گفتار سوم: بررسی حقوق مالی دارندگان سهام عدالت

حقوق مالی دارندگان سهام عدالت عبارت از حق انتقال سهام، حق دریافت سود و حق دارنده سهام عدالت نسبت به سرمایه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی که بصورت مجزا هر یک را بررسی می‌نمائیم.

1- حق انتقال سهام شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی

در خصوص جواز انتقال سهام شرکت تعاونی عدالت شهرستانی ماده 10 نمونه اساسنامه شرکت‌های مزبور شرایطی را مقرر نموده که متن ماده بدین شرح است: "سهام تعاونی بانام و غیر قابل تقسیم است و انتقال آن به اعضاء خود تعاونی با موافقت هیأت مدیره و با رعایت سقف موضوع ماده 9 که در اداره تعاونی اختلافی ایجاد نکند، مجاز است." بدین ترتیب رعایت سه مؤلفه به موجب اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی برای نقل و انتقال سهام ضروری است:

- نقل و انتقال سهام میان اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی صورت پذیرد:

هرچند ماده 22 قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، نقل و انتقال سهام را به غیر اعضای شرکت مقدور دانسته و داشتن شرایط عضویت در شرکت تعاونی را برای جواز انتقال سهام به منتقل الیه شرط دانسته و مقرر می‌دارد: "عضو یا اعضای تعاونی می‌توانند با رعایت مقررات این قانون سهم خود را به سایر اعضا و یا افراد جدید واجد شرایط واگذار نمایند." لیکن تشخیص داشتن شرایط عضویت شخص با هیأت مدیره شرکت است و قبل از انتقال سهام باید درخواست عضویت وی مورد قبول قرار گرفته باشد. مسأله‌ای که مطرح می‌شود آن است که آیا هیأت مدیره می‌تواند شرایطی بیش از شرایط مقرر در اساسنامه و قانون برای قبول درخواست عضویت فرد در نظر بگیرد؟ به نظر می‌رسد در فرضی که امکانات شرکت برای ورود عضو جدید کافی نباشد هیأت مدیره بتواند با وجود احراز سایر شرایط عضویت، درخواست فرد را قبول ننماید.

نکته مهم آن است که تصمیم هیأت مدیره پیرامون رد درخواست عضویت قطعی و غیر قابل اعتراض است. (حسنی، 1381) این رویه عملی قابل انتقاد به نظر می‌رسد چراکه احتمال ظهور

رویه‌های نامناسب در هیأت مدیره شرکت‌های تعاونی وجود خواهد داشت. با این وجود در شرکت تعاونی عدالت شهرستانی افراد مشمول طرح سهام عدالت از سوی ارکان اجرایی طرح شناسایی و معرفی شده اند بنابراین "افراد جدید واجد شرایط" مصداقی ندارند و هیأت مدیره شرکت تعاونی عدالت شهرستانی نمی‌تواند درخواست عضویت متقاضی را با ادعای آن که به تشخیص آن هیأت، حائز شرایط عضویت در شرکت است، قبول نماید بلکه متقاضی باید از مشمولان طرح باشد.

ترتیب مذکور قابل انتقاد به نظر می‌رسد چراکه انتقال سهام میان اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی موجب می‌شود که عضو با این محدودیت مواجه باشد که عضو دیگری را که تمایل به خرید سهام وی را دارد، بیابد و در صورت عدم موفقیت، تنها راه برای وی خروج اختیاری از شرکت است که در این حالت ارزش سهام که توسط شرکت باید پرداخت شود در زمانی طولانی‌تر به عضو تادیه می‌شود در صورتی که با فروش سهام، عضو می‌توانست به سهولت حقوق خود را استیفا نماید.

به نظر می‌رسد این مساله که نقل و انتقال سهام در شرکت‌های تعاونی میان اعضای شرکت باید صورت پذیرد و در صورتی که شخص خارج از شرکت بخواهد سهام را بخرد ابتدا باید عضویت وی در شرکت توسط هیأت مدیره بررسی گردد و در صورت موافقت هیأت مدیره می‌توان سهام را به وی منتقل نمود، به منظور رعایت شرایط اختصاصی مقرر در قانون و نمونه اساسنامه جهت عضویت در این شرکت‌ها باشد. امری که مقنن برای اجتناب از فروش سهام به غیر مشمولین طرح و دهک‌های بالای درآمدی به عمد مقرر نموده است.

این محدودیت ممکن است منجر به بروز معاملات و کالتی گردد بدین توضیح که عضو با اعطای وکالت به دیگری و نیابت در تحصیل کلیه حقوق به واقع قصد انتقال سهام را نموده باشد لیکن برای گریز از ممنوعیت قانونی از پوشش وکالت استفاده نماید. امری که وقوع آن به سبب وضعیت نامناسب معیشتی مشمولین طرح سهام عدالت بعید نمی‌باشد و شرکت نیز گریزی از تادیه سود و سایر منافع به این وکیل - که در واقع منتقل الیه است - ندارد. به هر حال ماهیت این پوشش نیز مقتضای خاص خود را دارد و موکل می‌تواند وکیل را عزل نموده یا در صورت فوت، حجر و جنون طرفین، وکالت منفسخ می‌گردد.

- نقل و انتقال سهام با موافقت هیأت مدیره شرکت باشد:

بر اساس بند 5 ماده 37 قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، اخذ تصمیم نسبت به انتقال سهام اعضا به یکدیگر از جمله وظایف هیأت مدیره شرکت تعاونی است. بنابراین نقل و انتقال سهام صرفاً میان اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی و پس از موافقت هیأت مدیره ممکن می‌باشد.

با وجود محدودیت نقل و انتقال سهام میان اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی، وضع محدودیت دیگر و منوط نمودن انتقال سهام به موافقت هیأت مدیره سبب می‌شود که اعضا به هنگام مخالفت شرکت، مجبور به خروج از شرکت شوند که تحصیل حقوق در خروج عضو از شرکت سخت تر از انتقال سهام و دریافت ثمن معامله است. از طرف دیگر اختیار هیأت مدیره در مخالفت یا موافقت با انتقال سهام ممکن است موجب سوء استفاده ایشان و اعمال نظرات سلیقه‌ای گردد لذا مناسب است که مقنن شرایطی را پیش‌بینی نماید که منحصرأ در آن شرایط، هیأت مدیره مجاز به مخالفت با انتقال سهام باشد.

- در نقل و انتقال سهام باید سقف مقرر در ماده 9 نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی رعایت شود:

به موجب ماده مذکور سهم اعضا در تأمین سرمایه شرکت برابر است اما با تصویب مجمع عمومی عادی حداکثر هر عضو می‌تواند تا یک صدم درصد سهم داشته باشد. تغییر سقف مذکور در چارچوب آئین نامه ماده 20 قانون بخش تعاونی و با تأیید ستاد مرکزی موضوع آئین نامه اجرایی سهام عدالت امکان پذیر است که شرح آئین نامه مذکور خارج از موضوع مورد بحث می‌باشد.

هیأت مدیره شرکت به هنگام تصمیم‌گیری برای نقل و انتقال سهام، رعایت حد نصاب مقرر برای تملک سهام را نیز بررسی می‌کند و در صورت عدم رعایت، با انتقال سهام به میزان بیشتر از حد نصاب مقرر مخالفت می‌نماید.

علاوه بر شرایط فوق تبصره 2 ماده 11 نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی، تشریفات دیگری را نیز پیش‌بینی نموده است. بدین مضمون که نقل و انتقال سهم بین اعضا باید در دفتر سهام شرکت ثبت گردد و در خصوص ضمانت اجرای عدم ثبت نقل و انتقال در دفتر سهام، فقدان اعتبار معامله از نظر شرکت را مقرر نموده است. بدین ترتیب شرکت همچنان انتقال دهنده را مالک می‌شناسد و وی متعهد در برابر شرکت بوده و از منافع و عوائد سهام بهره مند می‌گردد. لیکن عدم ثبت نقل و انتقال در دفتر سهام، خللی به صحت معامله وارد نمی‌کند و عدم رعایت تشریفات مذکور انتقال گیرنده را از اعمال حقوق وابسته به سهام محروم می‌کند. حق حضور در مجامع عمومی، حق رأی، حق

دریافت سود، حق اطلاع و ... از جمله حقوقی است که استیفای آن از سوی انتقال گیرنده منوط به انعکاس نقل و انتقال سهام در دفتر سهام شرکت است.

شایان ذکر است برخی از آراء دادگاه هایی که در خصوص انتقال سهام بانام در شرکت های سهامی عام مورد بررسی قرار گرفته است به جهت شبیه بودن ثبت انتقال سهام در دفتر ثبت سهام با انتقال سهام در شرکت های تعاونی عدالت شهرستانی در این مبحث مورد استفاده قرار گرفت. نتیجه آن که از رویه واحدی پیروی نمی کردند و در این که عدم ثبت انتقال سهام بانام شرکت سهامی در دفتر ثبت سهام، مطلقاً موجب بی اعتباری معامله است یا این که چنین قراردادی در هر صورت بین طرفین صحیح می باشد، در رویه قضایی اختلاف وجود داشت. برخی از محاکم دادگستری و شعب دیوان عالی کشور، قرارداد واگذاری سهام بانامی را که تشریفات مندرج در ماده 40 لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب 1347 در آن رعایت نشده است، به طور کلی باطل محسوب و در مقابل برخی دیگر چنین معامله ای را از نظر شرکت و اشخاص ثالث بی اعتبار تلقی و بین طرفین صحیح قلمداد نموده اند (شفیعی، 1387). به نظر می رسد برای جمع میان اصل رضایی بودن عقود و امنیت شرکت از حیث شناسایی آسان دارندگان سهام، بهترین روش، وضع و قبول تشریفات باشد که عدم رعایت آنها مانع از وقوع عقد نگردد بلکه تنها قابلیت استناد آن در برابر شرکت را از بین ببرد. بر این اساس طرفین مختارند که به هر شکل اراده خویش مبنی بر نقل و انتقال سهام را اعلان نمایند اما شرکت، شخصی را به عنوان شریک می شناسد که حقوق خویش در شرکت را به صورت مقرر در قانون ثابت نماید (کاویانی، 1386).

پیرامون ضمانت اجرای سایر شرایط مقرر برای نقل و انتقال سهام که توضیح آن داده شد، می توان با وحدت ملاک از ضمانت اجرای عدم رعایت تشریفات ثبت به فقدان اعتبار معامله از نظر شرکت قائل بود.

2- انتقال سهام شرکت های سرمایه گذاری استانی

ماده 37 قانون اجرای سیاست های کلی اصل 44 قانون اساسی که مقرر می کند: "فروش سهام واگذار شده به شرکت های سرمایه گذاری استانی قبل از ورود این شرکت ها به بورس به میزانی که اقساط آن پرداخت شده یا به همین نسبت مشمول تخفیف واقع شده در بازارهای خارج از بورس مجاز است و سهام واگذار شده به همین نسبت از قید وثیقه آزاد می شود." صرفاً در خصوص فروش سهام واگذار شده به شرکت های سرمایه گذاری استانی بوده و حکمی را پیرامون نقل و انتقال سهام شرکت های

سرمایه گذاری استانی تعیین نمی‌نماید. لیکن قدر متیقن آن است که مقصود مقنن ورود شرکت‌های مزبور در بازار بورس یا بازار خارج از بورس می‌باشد. همچنان که ماده 7 آیین نامه اجرایی توزیع سهام عدالت نیز سازمان بورس و اوراق بهادار و سازمان خصوصی سازی را مکلف نموده است که با همکاری شرکت بورس اوراق بهادار و سایر دستگاه‌های ذی ربط حداکثر تا پایان سال 1388، تمهیدات لازم برای پذیرش شرکت‌های سرمایه گذاری استانی را در بورس فراهم نمایند. در عین حال شرکت‌های سرمایه گذاری استانی را نیز موظف نموده است که برای پذیرش در بورس اقدام نموده و بدین منظور باید ابتدا به شرکت‌های سهامی عام تبدیل شوند. در صورت عدم تحقق شرایط پذیرش بورس، سازمان بورس و اوراق بهادار باید امکان خرید و فروش سهام شرکت‌های سرمایه گذاری استانی را در فرابورس فراهم نماید.

به هر حال شرکت‌های سرمایه گذاری استانی به موجب ماده 7 آیین نامه اجرایی توزیع سهام عدالت در بورس و در صورت عدم تحقق شرایط پذیرش بورس در بازار فرابورس وارد خواهند شد. هیأت پذیرش بورس اوراق بهادار تهران، براساس دستورالعمل پذیرش اوراق بهادار در بورس اوراق بهادار تهران مصوب 1386 هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، اقدام به بررسی وضعیت شرکت‌هایی که متقاضی ورود به بازار بورس هستند، می‌نماید. براساس این دستورالعمل، وضعیت اوراق بهادار و ناشر آن با شرایط مندرج در این مقرر قانونی سنجیده می‌شود و در صورت مطابقت، شرکت مزبور جواز ورود به بورس را می‌یابد. در فصل دوم این دستورالعمل که به بیان شرایط پذیرش اوراق بهادار در بازارهای بورس اختصاص دارد، شرایط دشواری پیش‌بینی گردیده است که از جمله می‌توان به ماده 6 آن اشاره نمود که براساس آن:

- سرمایه ثبت شده شرکت نباید از دویست میلیارد ریال کمتر باشد.
- در سه دوره مالی متوالی منتهی به پذیرش که حداقل دو دوره آن سال مالی کامل باشد سودآور باشد.
- زیان انباشته نداشته باشد و ...

حتی در تابلو فرعی نیز شرایط دشواری همچون سرمایه ثبت شده یک صد میلیارد ریال مقرر گردیده است که با در نظر گرفتن این موارد و وضعیت جاری شرکت‌ها می‌توان گفت ورود و تداوم حضور در بازارهای بورس با سختی‌های بسیاری همراه است اما در مقابل، فرابورس الزامات آسان تری را مقرر می‌دارد که بنا بر آنها شرکت‌هایی که در مقایسه با شرکت‌های بورسی از توان کمتری

برخوردارند، جواز ورود به فرابورس را می‌یابند زیرا هدف، جمع آوری و نظام مند کردن شرکت‌هایی است که در این زمینه تمایل به فعالیت دارند اما در حد فعالیت در بازارهای بورس نمی‌باشند.

بدین ترتیب بازار فرابورس با هدف ایجاد فضایی ایمن و شفاف برای مبادله سریع و کم هزینه انواع اوراق بهادار طراحی گردیده است و تمهیدات ویژه ای را به منظور عرضه عمومی¹ سهام شرکت‌هایی فراهم آورده است که عموماً قادر به احراز شرایط پذیرش در بازار بورس نیستند.

از مزایای پذیرش شرکت‌ها در بازار فرابورس ایران می‌توان به تامین مالی آسان و ارزان شرکت‌ها در راستای توسعه فعالیت، افزایش نقدشوندگی سهام، بهره‌مندی از معافیت مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در فرابورس، کاهش نرخ مالیات نقل و انتقال برای سهامداران شرکت‌ها، شفافیت و اعتبار قیمت سهام به واسطه مبادله در فرابورس، اطلاع‌رسانی هماهنگ و پیشرفته و ... اشاره نمود.

فعالیت فرابورس در قالب پنج بازار پیش‌بینی شده است که به نام‌های بازار اول، بازار دوم، بازار سوم، بازار ابزارهای نوین مالی و بازار پایه می‌باشند و در هر بازار اوراق بهادار با ویژگی‌های خاص مبادله می‌شود. سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی از آن جا که این شرکت‌ها از نوع سهامی خاص هستند و در حال تبدیل به شرکت سهامی عام می‌باشند لذا مطابق ماده 9 دستورالعمل پذیرش و عرضه اوراق بهادار در فرابورس ایران مصوب 1388/1/25 شورای عالی بورس و اوراق بهادار در بازار دوم مبادله خواهد شد.

بازار فرابورس برخلاف بازار بورس اوراق بهادار، فضای فیزیکی تحت عنوان تالار معاملات ندارد و معاملات آن به صورت مجازی و از دفاتر کارگزاران² انجام می‌شود و خرید و فروش اوراق بهادار پذیرفته شده در بازار فرابورس منحصراً توسط شرکت‌های کارگزاری صورت می‌پذیرد. بنابراین هیچ گونه معامله‌ای مستقیماً بین خریدار و فروشنده انجام نمی‌گیرد.

هر یک از شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی برای انجام معامله در فرابورس همچون بازار بورس اوراق بهادار باید نسبت به اخذ کد معاملاتی اقدام کند. کد معاملاتی، شناسه‌ای به منظور تعریف اسامی اشخاص در سامانه معاملاتی فرابورس می‌باشد.

1. عرضه عمومی: عرضه اوراق بهادار منتشره به عموم جهت فروش (بند 26 ماده 1 قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب 1384/9/1).

2. کارگزار: شخص حقوقی است که اوراق بهادار را برای دیگران و به حساب آنها معامله می‌کند. (بند 13 ماده 1 قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب 1384/9/1).

سرمایه‌گذاران در اولین مراجعه به شرکت کارگزاری مدارک شناسایی معتبر را ارائه می‌نمایند تا کارگزار نسبت به دریافت کد معاملاتی اقدام کند. سرمایه‌گذارانی که پیش از این در بازار بورس و اوراق بهادار به نقل و انتقال اوراق بهادار می‌پرداختند نیازی به اخذ کد معاملاتی جدید ندارند که در خصوص شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی این مسئله منتفی است. بر اساس مقررات سازمان بورس و اوراق بهادار، نخستین شرکت کارگزاری که شخص برای اخذ کد معاملاتی به آن مراجعه می‌نماید به عنوان کارگزار ناظر وی شناخته می‌شود و کلیه نقل و انتقال سهام وی می‌بایست از طریق آن شرکت ادامه یابد و تغییر کارگزار ناظر مستلزم طی تشریفات اداری است.

سهامدار پس از دریافت کد معاملاتی امکان معامله در بازار فرابورس را می‌یابد و به منظور خرید و فروش سهام خود می‌بایست اقدام به تکمیل فرم درخواست خرید یا فروش نماید که اطلاعاتی چون مشخصات شخص، نام، تعداد و قیمت اوراق بهادار، چگونگی دریافت وجه در آن مشخص شده است. کارگزاران فرابورس امکان دریافت درخواست خرید یا فروش سهام را بدون مراجعه حضوری اشخاص از طریق وب سایت خود دارند و اشخاص می‌توانند سفارش‌های خود را از این طریق برای کارگزار ارسال نمایند. در این ساز و کار انتقال دهنده و انتقال گیرنده اراده خود برای خرید یا فروش را به موجب درخواستی که به کارگزار خود می‌دهند، اعلام نموده و انعقاد معامله را به عهده کارگزار که به عنوان وکیل سفارش دهنده اقدام می‌کند، واگذار می‌نمایند.

در این سیستم انعقاد معاملات تابع نظمی است که از طرف فرابورس ایجاد می‌گردد و کارگزاران مکلف به رعایت مقررات حاکم بر آن می‌باشند که بر اساس دستورالعمل اجرایی نحوه انجام معاملات اوراق بهادار در فرابورس ایران مصوب 1388/6/7 هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار صورت می‌پذیرد.

نکته‌ای که ذکر آن خالی از فایده نمی‌باشد پیرامون نقل و انتقال سهام شرکت‌های مورد واگذاری به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی است. بدین مضمون که هرچند مطابق ماده 5 آیین نامه اجرایی توزیع سهام عدالت، شرکت‌های مورد واگذاری از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تعیین می‌شوند لیکن سهام مورد واگذاری از سهام بورسی آن شرکت نیست چراکه نقل و انتقال در قالب طرح سهام عدالت و خارج از نظام حاکم بر بازار بورس اوراق بهادار که حراج می‌باشد، صورت پذیرفته است.

بدین توضیح که یک شرکت می‌تواند تمامی سهام خویش را جهت پذیرش در بازار بورس اوراق بهادار به هیأت پذیرش ارائه نماید و تنها با میزان مشخصی از سهام خود وارد بورس گردد لذا بقیه سهام آن بورسی نبوده و مورد نقل و انتقال در بازار بورس اوراق بهادار قرار نمی‌گیرد. در این صورت

شرکت با بخشی از سهام خود در بورس پذیرفته شده و برای اطلاق بورسی بودن آن شرکت کفایت می‌کند. سهامی که در قالب طرح سهام عدالت به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی واگذار می‌شود نیز هرچند متعلق به شرکت‌های بورسی می‌باشد لیکن از سهام بورسی آن شرکت نیست.

3- حق دریافت سود

هدف اصلی از اجرای طرح توزیع سهام عدالت، ایجاد یک درآمد دائمی برای اقشار کم درآمد و کاهش فقر عنوان شده است به گونه‌ای که همواره مسئولان اجرایی به عدم فروش سهام عدالت توسط مشمولان و بهره‌مندی از سود آن تأکید داشته‌اند.

لیکن کل سود شرکت تعاونی عدالت شهرستانی قابل توزیع نیست. بخشی از سود بابت اندوخته قانونی¹ کنار گذاشته می‌شود و فقط سود قابل تقسیم توزیع می‌شود. ذخیره نمودن اندوخته قانونی با حکم مقنن، قاعده‌ای آمره بوده و چنان چه تصمیمی خلاف آن اخذ شود، تصمیم باطل و مراجع تصمیم‌گیرنده مسئول جبران خسارات وارده به شرکت و سایر اشخاص می‌باشند.

نکته‌ای که ذکر آن خالی از فایده نمی‌باشد، پیرامون چستی سود شرکت تعاونی عدالت شهرستانی است. همانطور که پیشتر توضیح داده شد، سرمایه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی از سهام شرکت سرمایه‌گذاری استانی شکل گرفته و سرمایه شرکت سرمایه‌گذاری استانی نیز سببی از سهام شرکت‌های واگذار شده در قالب طرح توزیع سهام عدالت می‌باشد بنابراین سودی که هر یک از شرکت‌های مورد واگذاری در یک سال مالی برای سهامداران خود تعیین می‌کنند به سبب هر یک از شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی وارد می‌شود و از آن جا که شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی نیز سهامدار شرکت سرمایه‌گذاری استانی هستند، سود شرکت سرمایه‌گذاری استانی نیز پس از تعیین در سال مالی بین هر یک از شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی سهامدار آن، توزیع می‌شود و در نهایت شرکت تعاونی عدالت شهرستانی در پایان سال مالی خود، سودی را که عایدش شده است به ترتیب مقرر در اساسنامه‌اش و مطابق با مقررات قانونی میان دارندگان سهام عدالت توزیع می‌نماید. سود مزبور همگن است بدین معنا که سهم هر یک از شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی از شرکت‌های مورد واگذاری متناسب با تعداد اعضای تعاونی عدالت شهرستانی آن استان تعیین شده بود پس سود توزیعی بین اعضا در شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستان‌های مختلف یکسان خواهد بود در نتیجه مشمولان استان‌ها با

1. اندوخته قانونی: پس‌اندازی است که مبلغی معادل حداقل پنج درصد سود خالص شرکت در هر سال مالی با تصویب مجمع عمومی عادی در آن ذخیره می‌شود تا در مواقع اضطراری و احتیاج از آن استفاده شود.

یکدیگر و گروه‌های مختلفی که در شمول طرح قرار می‌گیرند هیچ تفاوتی ندارند. البته این امر تا زمانی است که شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی به نقل و انتقال سهام موجود در سبد خود در بازار بورس اوراق بهادار یا بازار فرابورس نپرداخته‌اند چراکه با نقل و انتقال سهام، ترکیب سبد و پرتفوی آنها تغییر می‌کند بنابراین شرکت‌های سرمایه‌گذاری استان‌های مختلف بر اساس تصمیمی که در خصوص خرید یا فروش اوراق بهادار مختلف در بازار سرمایه بگیرند، سود متفاوتی را نیز خواهند برد که این امر نیاز به مدیریت تخصصی و آشنایی کامل با نوسانات بازار سرمایه و چگونگی نقل و انتقال سهام دارد. شایان ذکر است که با ورود شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی در بازار بورس اوراق بهادار یا بازار فرابورس، چنانچه شرکت سرمایه‌گذاری استانی از پرداخت سود شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی سهامدار خود در موعد مقرر سر باز زند، هریک از سهامداران وی و همچنین سازمان بورس و اوراق بهادار می‌توانند با استناد به ماده 15 قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید مصوب 88/9/25، موضوع را در هیأت داورى قانون بازار اوراق بهادار طرح نموده و آراء صادره آن مرجع را از طریق اجرای احکام دادگاه‌ها اجرا نمایند.

مطابق تبصره 1 ماده 100 قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه تا زمانی که اقساط سررسید شده هریک از شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی به دولت پرداخت نشود، پرداخت هرگونه سود از سوی شرکت‌های مورد واگذاری به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی ممنوع می‌باشد.

نحوه پرداخت سود قابل تقسیم در بند 5 ماده 58 نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی به نسبت سهام اعضای شرکت پیش بینی شده است لیکن در خصوص مدت پرداخت سود به دارندگان سهام عدالت پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود، قانون ساکت است. به نظر می‌رسد که همچون شرکت‌های سهامی باید مقنن حداکثر مهلت پرداخت را تعیین می‌نمود.¹

نکته قابل تامل پیرامون شرط حذف کامل سود علیه برخی از دارندگان سهام عدالت این است که شرطی غیر معتبر و ممنوع می‌باشد چراکه چنین برداشت می‌شود، اعضای شرکت قصد انعقاد قرارداد شرکت نداشته‌اند (صقری، 1371).

در واقع از تاریخ تصمیم‌گیری مجمع عمومی در مورد اختصاص سود به اعضا، دارندگان سهام بابت سود اختصاص یافته به خود طلبکار شرکت تلقی می‌شوند و در صورت ورشکستگی شرکت نیز در ردیف دیگر طلبکاران شرکت، در غرما قرار می‌گیرند.

1. در ماده 240 لایحه اصلاح قانون تجارت پیرامون تعیین مهلت پرداخت سود به صاحبان سهام مقرر می‌دارد: "... در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد."

شرکت نمی‌تواند در غیر موارد مذکور، تقسیم سود نماید زیرا هر سودی که بدون رعایت مقررات قانونی تقسیم شود، منافع موهوم¹ تلقی می‌گردد و مدیران شرکت در صورت اعلام به دادگاه صالح مبنی بر تخلف در اداره شرکت و احراز آن توسط دادگاه از مدیریت معلق می‌گردند.²

4- حق دارندگان سهام عدالت نسبت به سرمایه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی

در این قسمت حق دارنده سهام عدالت نسبت به سرمایه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی را در سه بخش حق تقدم در خرید سهام جدید، حق دریافت حقوق و مطالبات با لغو عضویت و همچنین حق تملک سرمایه شرکت پس از انحلال آن را بررسی می‌نمائیم.

1-4- حق تقدم در خرید سهام جدید

مستنبط از ماده 35 قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران که تصمیم‌گیری در خصوص تغییر مواد اساسنامه را در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده قرار داده است، پی به تجویز افزایش سرمایه توسط مقنن می‌بریم. برای افزایش سرمایه روش‌های متعددی وجود دارد که یکی از آن موارد، افزایش سرمایه از طریق صدور سهام جدید است.

هرچند که قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی، پیرامون حق تقدم دارای حکمی نیست لیکن مناسب به نظر می‌رسد که مفاد تصمیم شرکت جبران‌کننده سکوت قانون باشد. در نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی نیز به جواز این روش اشاره‌ای نشده است لیکن با توجه به فقدان دلیلی برای ممانعت، مجمع عمومی فوق العاده می‌تواند به هنگام تصمیم‌گیری برای افزایش سرمایه شرکت، روش صدور سهام جدید را انتخاب نموده و دارندگان سهام عدالت را در خرید سهام جدید دارای حق تقدم اعلام نماید.

ماده 162 لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، اختیار مجمع عمومی فوق العاده را قابل تفویض به هیأت مدیره می‌داند، بدیهی است که در شرکت تعاونی عدالت شهرستانی نیز مانعی برای این امر وجود ندارد بالاخص آن که اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی نیز تفویض اختیار را منع ننموده است.

1. منافع موهوم: منافی که شرکت بازرگانی بدون رعایت قانون برخلاف واقع نشان دهد، در غیر این صورت منافع واقعی نامیده می‌شود (جعفری لنگرودی، 1370).

2. بند 17 ماده 66 قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران.

2-4- حق دریافت حقوق و مطالبات عضو با لغو عضویت

لغو عضویت در شرکت تعاونی به هنگام فوت (برای اشخاص حقیقی)، استعفا، انحلال (برای اشخاص حقوقی) و اخراج عضو متصور است. در این موارد باید سهم و کلیه حقوق و مطالبات عضو برابر مقررات اساسنامه و قرارداد منعقدۀ محاسبه و به دیون تعاونی تبدیل شود و پس از کسر بدهی وی به تعاونی، به او یا ورثه اش حداکثر ظرف مدت سه ماه پرداخت شود.¹

بنابراین از آن جا که ملاک در محاسبه، مقررات اساسنامه و قرارداد منعقدۀ می باشد به نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی رجوع می کنیم که در ماده 17 نمونه اساسنامه مزبور، نحوه محاسبه ارزش سهام عضو را بر اساس ارزش روز سهام تعیین نموده است.

شایان ذکر است که کلیه دیونی که عضو به شرکت تعاونی عدالت شهرستانی دارد ممکن است حال نبوده بلکه موجد باشد در این صورت کسر کردن دیون موجد به علت نرسیدن موعد پرداخت، قاعدتاً ممکن نیست چراکه اجل آن فرا نرسیده است لیکن در مواردی که مقنن صراحتاً به حال شدن دین تصریح نموده یا خود مشروط له از اجل باقی مانده صرف نظر نماید، حال شدن دین ممکن می-شود. در خصوص فوت شخص مطابق ماده 231 قانون امور حسبی که مقرر می دارد: "دیون موجد متوفی بعد از فوت، حال می شود" نص قانونی داریم. لیکن مستنبت از ماده 15 قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران پیرامون استعفا، انحلال و یا اخراج عضو چنین برداشت می شود که مقنن از عبارت "تبدیل شدن کلیه حقوق و مطالبات به دیون تعاونی و کسر بدهی عضو از آن"، حال شدن دیون موجد عضو را مد نظر داشته است.

3-4- حق تملک سرمایه شرکت پس از انحلال شرکت و طی تشریفات

با ایجاد شرکت هر چند سرمایه در مالکیت شخصیت حقوقی شرکت است اما این امر مانع از آن نیست که پس از انحلال شرکت و تادیه کلیه دیون، آن چه از سرمایه شرکت باقی می ماند بین دارندگان سهام شرکت توزیع شود. در مقام تشبیه می توان گفت سرمایه باقی مانده به منزله ارث شرکت بوده و به نسبت سهام میان اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی تقسیم می گردد.

با عنایت به ماده 62 نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی که انحلال شرکت را تابع ضوابط مقرر در قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دانسته است باید فروض انحلال

1. ماده 15 قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران.

شرکت تعاونی عدالت شهرستانی را در ماده 54 قانون مزبور بررسی نمود: "شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی در موارد ذیل منحل می‌شوند:

- 1- تصمیم مجمع عمومی فوق العاده
- 2- کاهش تعداد اعضا از حد نصاب مقرر در صورتی که حداکثر ظرف مدت 3 ماه تعداد اعضا به نصاب مقرر نرسیده باشد.
- 3- انقضای مدت تعیین شده در اساسنامه مربوط در صورتی که در اساسنامه مدت تعیین شده باشد و مجمع عمومی مدت را تمدید نکرده باشد.
- 4- توقف فعالیت بیش از یک سال بدون عذر موجه.
- 5- عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط پس از 3 بار اخطار کتبی در سال به وسیله وزارت تعاون طبق آیین نامه مربوط
- 6- ورشکستگی طبق قوانین مربوط "

در توضیح بند 2 ماده مذکور باید گفت که حداقل و حداکثر تعداد عضو در تعاونی‌ها مطابق ماده 6 قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به نسبت سرمایه، فرصت اشتغال، نوع فعالیت و رعایت اصل عدم تمرکز ثروت توسط آیین نامه مصوب وزارت تعاون تعیین می‌شود که به هر حال تعداد اعضا نباید کمتر از 7 نفر باشد.

با عنایت به ماده 5 نمونه اساسنامه شرکت تعاونی عدالت شهرستانی، شرکت مزبور به صورت نامحدود از تاریخ ثبت تشکیل می‌شود بنابراین بند 3 ماده فوق الذکر موضوعاً منتفی است.

در خصوص تشریفات لازم جهت انحلال شرکت باید عنوان نمود که بر اساس تبصره 1 ماده 54 قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران پس از اعلام انحلال و ثبت آن در اداره ثبت محل، تصفیه مطابق قانون تجارت صورت می‌گیرد. بدین ترتیب چنانچه مجمع عمومی فوق العاده یا وزارت تعاون رأی به انحلال شرکت تعاونی سهام عدالت بدهند، ظرف یک ماه سه نفر را جهت تصفیه امور تعاونی انتخاب و به اداره ثبت محل معرفی می‌کنند تا بر طبق قانون نسبت به تصفیه شرکت اقدام نمایند.

مستنبط از ماده 17 قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران که بیان می‌دارد: "شرکت‌های تعاونی، شرکت‌هایی هستند که تمام یا حداقل 51% سرمایه به وسیله اعضاء در اختیار شرکت تعاونی قرار می‌گیرد و وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت و تحت پوشش دولت، بانک‌ها، شهرداری‌ها، شوراهای اسلامی کشوری، بنیاد مستضعفان و سایر نهادهای عمومی می-

توانند جهت اجرای بند 2 اصل 43 از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر از قبیل مشارکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، اجاره، اجاره به شرط تملیک، بیع شرط، فروش اقساطی، صلح، اقدام به کمک در تأمین و یا افزایش سرمایه شرکت‌های تعاونی نمایند بدون آن که عضو باشند" در می‌یابیم که بخشی از سرمایه شرکت‌های تعاونی می‌تواند متعلق به اعضای آن نباشد. بنابراین به هنگام انحلال شرکت باید قبل تقسیم سرمایه شرکت میان اعضا، به حکم ماده 56 قانون مذکور به تعهداتی که شرکت در برابر اخذ سرمایه، اموال و امتیازات از منابع عمومی، دولتی، بانک‌ها و شهرداری‌ها نموده است، عمل کند. همچنین کلیه اموالی که از منابع عمومی دولتی در اختیار شرکت قرار گرفته با انحلال آن باید مسترد گردد.

تقسیم مانده سرمایه میان اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی جزئی از وظایف مدیر تصفیه است با این توضیح که شخصیت حقوقی شرکت باقی بوده و دارندگان سهام عدالت ناگزیرند برای اعمال حق خویش در فرض عملکرد نادرست مدیر تصفیه علیه وی اقامه دعوی نمایند.

نتیجه‌گیری و ارائه راهکار

در بررسی و تبیین حقوق مالی و غیرمالی دارندگان سهام عدالت، چالش‌هایی که استیفای حقوق ایشان ممکن است با آن مواجه شود را به شرح موارد ذیل شناختیم:

1- حضور اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی در مجامع و تصمیم‌گیری ایشان به جهت تعداد زیاد اعضا مشکل می‌باشد. به همین دلیل مجامع این شرکت اعم از مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق العاده به صورت دو مرحله‌ای برگزار می‌شوند. بدین صورت که در مرحله اول، نماینده یا نمایندگان اعضا تعیین و در مرحله دوم، مجمع عمومی با حضور نمایندگان منتخب اعضا تشکیل می‌گردد. هر چند چنین ترتیبی مشکل تشکیل جلسات با تعداد زیاد اعضا را برطرف نموده است لیکن ترکیب اعضای شرکت تعاونی عدالت شهرستانی در اکثر موارد، ترکیبی فاقد تخصص مقتضی بوده و بالتبع این مشکل در شرکت سرمایه‌گذاری استانی نیز وجود دارد. به همین جهت سازمان بورس و اوراق بهادار که مطابق ماده 29 قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب 1384/9/1، صلاحیت حرفه‌ای اعضای هیأت مدیره و مدیران نهادهای مالی را بررسی و تأیید می‌نماید تاکنون از تأیید صلاحیت برخی از مدیران معرفی شده توسط شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی اجتناب نموده است.

- 2- هر چند با تغییراتی که قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی در ارکان و فرآیند اجرایی طرح توزیع سهام عدالت ایجاد نمود، شبهه باقی ماندن دولت بر منصب مدیریت شرکت‌های مورد واگذاری برطرف گردید اما دولت هم باید پایبند به قانون باشد و موضوع مدیریت تخصصی شرکت‌ها را محملی برای استمرار مدیریت دولتی قرار ندهد.
- 3- چالش عمده‌ای که پیرامون حق اخذ تصمیم‌گیری اعضا در قالب هیأت مدیره برای شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی وجود دارد، سهم اندک هر یک از شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی در شرکت‌های واگذار شده در طرح توزیع سهام عدالت می‌باشد که میزان تأثیرگذاری ایشان در شرکت‌های مورد واگذاری را کاهش می‌دهد.
- 4- انتظار دارندگان سهام عدالت از طرح، همواره دریافت سود می‌باشد چراکه عمدتاً از اقشار آسیب پذیر جامعه هستند و دغدغه‌ای نسبت به جنبه سرمایه‌ای بودن این اوراق بهادار و مشارکت در بهبود عملکرد شرکت‌ها ندارند به همین جهت شرکت‌های مورد واگذاری که سهامدارانشان شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی می‌باشند همواره مجبور به جلب نظر سهامداران خود و تادیه سود نقدی بوده اند. لذا کمتر به طرح‌های توسعه‌ای در شرکت و افزایش کارایی آن نظر دارند و این روال موجب می‌شود در اثر گذر زمان شرکت مستهلک شده و یا به طرح‌های توسعه‌ای نپردازد. امری که همواره از سوی اقتصاددانان به عنوان آفت طرح گوشزد گردیده است. هرچند با تصویب قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه پرداخت هرگونه سود سهام شرکت‌های مورد واگذاری به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی تا میزان اقساط سررسید شده آنان به دولت ممنوع شده است.
- همانطور که توضیح دادیم دارندگان سهام عدالت انتظار دریافت سود را دارند به گونه‌ای که کاسته شدن از میزان آن می‌تواند ایشان را از اهداف طرح که توزیع ثروت بین اقشار مختلف مردم عنوان شده، به کلی ناامید سازد. لذا راهکار ذیل، ضمن پاسخگویی به این انتظار دارندگان سهام عدالت، ایراد فقدان مدیریت تخصصی شرکت‌ها و عدم توجه به طرح‌های توسعه‌ای در شرکت‌های مورد واگذاری را نیز پوشش می‌دهد از طرف دیگر ساختار طرح نیز نیاز به تغییر ندارد امری که نیازمند تغییر قانون بوده و مستلزم هزینه‌های اقتصادی - سیاسی کلانی برای کشور می‌باشد.
- راهکار مذکور بر سه مولفه استوار است: 1- شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی 2- قانون 3- شرکت‌های هلدینگ.

بدین توضیح که شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی به کانون وکالت دهند که بر اساس آن به نمایندگی از طرف ایشان، اقدام به اجاره سهام به شرکت‌های هلدینگ نماید و طی قرارداد اجاره مبلغی را به عنوان اجاره بها با درصدی افزایش در هر سال برای مدت معین - به عنوان مثال ده سال - منعقد نماید که کانون از محل اجاره بها، بخشی را جهت پرداخت اقساط مربوط به قرارداد واگذاری سهام به سازمان خصوصی‌سازی کسر نموده و باقیمانده را به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی پرداخت نماید. با این توضیح که مستأجر یعنی شرکت هلدینگ از منفعت سهام اعم از حق رای و سود آن بهره‌مند شده و در مقابل اجاره بهای معینی را به دارندگان سهام عدالت پرداخت می‌کنند. با این راهکار حق رای در موضوعات مختلف از جمله انتخاب مدیریت شرکت‌های مورد واگذاری را به شرکت هلدینگ داده و شرکت مزبور می‌تواند افراد با توان مدیریت بالا، حائز تخصص مرتبط و آشنا به بازار سرمایه را انتخاب نماید.

مزیت دیگر آن که شرکت مزبور به کارایی شرکت‌های مورد واگذاری نیز توجه داشته و صرفاً به کسب سود سالانه نظر نخواهد داشت بلکه برنامه منسجمی را برای عمران، توسعه شرکت و افزایش کارایی در نظر می‌گیرد البته در قرارداد اجاره مناسب است مدت به صورتی در نظر گرفته شود که امکان اعمال برنامه‌های بلند مدت توسط مستأجر باشد.

این راهکار مزیت دیگری نیز دارد و آن حفظ مالکیت سهام برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی و شرکت‌های تعاونی عدالت شهرستانی و بالتبع دارندگان سهام عدالت است به گونه‌ای که سهام در مالکیت این افراد به عنوان سرمایه بوده و در سال‌های آتی با گسترش فرهنگ سهامداری، حضور مستقیم ایشان در بازار سرمایه را شاهد خواهیم بود. کانون نیز می‌تواند علاوه بر بسط آموزش میان شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی با سر لوحه قرار دادن اصول راهبری شرکتی در برنامه کلان مدت شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی عضو خود، امکان تضمین مناسب حقوق ایشان در بستر خصوصی‌سازی شرکت‌های مورد واگذاری را فراهم آورد.

منابع و مأخذ:

1. آخوندی، محمود، (1388)، «آیین دادرسی کیفری؛ سازمان و صلاحیت مراجع کیفری»، جلد دوم، نشر سازمان چاپ و انتشارات، چاپ یازدهم، تهران.
2. اسکینی، ربیعا، (1385)، «حقوق تجارت؛ شرکت های تجاری»، جلد دوم، نشر سمت، چاپ هشتم، تهران.
3. پاسبان، محمدرضا، (1386)، «حقوق شرکت های تجاری»، نشر سمت، چاپ دوم، تهران.
4. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (1370)، «ترمینولوژی حقوق»، انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم، شماره 5530، تهران.
5. حسنی، حسن، (1381)، «حقوق تعاونیها»، نشر سمت، چاپ اول، تهران.
6. حقیقی، ایمان، (1385)، «تجزیه و تحلیل طرح واگذاری سهام عدالت»، مجله راهبرد یاس، شماره ششم.
7. خزاعی، حسین، (1385)، «حقوق تجارت؛ شرکت های تجاری»، جلد دوم، نشر قانون، چاپ اول، تهران.
8. ستوده تهرانی، حسن، (1378)، «حقوق تجارت»، جلد سوم، نشر دادگستر، چاپ سوم، تهران.
9. شفیعی، اکرم السادات، (1386)، «شرایط و آثار نقل و انتقال سهام در شرکت های سهامی»، استاد راهنما: دکتر کورش کاویانی، استاد مشاور: دکتر محمدرضا پاسبان، دانشگاه علامه طباطبائی.
10. شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش، (1375)، «نظریات مشورتی اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران در مسائل کیفری از سال 1372 تا 1373»، جلد دوم، نشر روزنامه رسمی، چاپ اول، تهران.
11. صقری، منصور، (1371)، «تعریف شرکت تجاری»، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران.
12. عطایی، امید، (1388)، «بررسی مبانی قانونی واگذاری سهام عدالت»، گزارش دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهشهای مجلس، تهران.
13. فلاح تفتی، زینب، (1389)، «اداره سهام عدالت»، استاد راهنما: دکتر کورش کاویانی، استاد مشاور: دکتر محمدرضا سیدنورانی، دانشگاه علامه طباطبائی.
14. کابلی زاده، احمد، (1384)، «خصوصی سازی مردمی؛ کارایی همراه با عدالت»، نشر مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، تهران.
15. کاویانی، کورش، (1386)، «حقوق شرکت های تجاری»، نشر میزان، چاپ اول، تهران.

16. کوزه چی، هادی و زرگر زاده، محمد امین، (1386)، «پیشنهادهایی برای بهبود ساختار طرح سهام عدالت»، تهران، مجله سیاسی اقتصادی، شماره 243-244.
17. Aussenegg, Wolfgang, "Going Public in Poland: Case- by -Case Privatizations, Mass Privatization and Private Sector Initial Public Offerings", Vienna University of Technology, Final First Draft: December 1999.
18. Ellerman, David, " Voucher Privatization with Investment Funds: An Institutional Analysis", World Bank, May 1994.

